

Introducing the Deities of writing in Ancient Elam from the historical perspective

Alireza Enteshari Najafabadi¹, Sorour Khorashadi²

Abstract

A look at ancient civilizations such as Egypt, Mesopotamia, Greece, etc. shows that writing was mainly related to the realm of a specific Deities. Based on the available documents, we know that Elam is also one of the civilizations in which writing had a rich and ancient history; Despite this, the topic of deities of writing in the civilization of Elam has been neglected and has not received the attention of researchers in this field; Therefore, in this research, with the aim of identifying and introducing the deities of writing in ancient Elam and its relationship with the Mesopotamian and Iranian tradition, the question is asked that based on the available evidence, which deities were responsible for the domain of writing and authorship in the mythology of ancient Elam? What is the relationship between the mythological-religious attitude of ancient Elam and the Iranian and Mesopotamian attitude in the field of deities of writing?

-
1. PhD student of Archeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. a.enteshari@modares.ac.ir
 2. Assistant Professor of Archaeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding author). s.khorashadi@modares.ac.ir

Received: Feb 21, 2024 – Accepted: July 15, 2024



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

The results of the studies from the “historical approach” (comparative study of written documents with archaeological material evidence) indicate that probably Napirisha, Tirumithir / Tirutur, Nebu and perhaps Nisaba were responsible for writing in ancient Elam; Among the deities of writing, Nebu and Nisaba had Mesopotamia roots (Amorite and Sumerian, respectively) and Mesopotamian influences can also be suggested about Tirumithir / Tirutur. Meanwhile, Nebu and Napirisha were male and Nisaba was female, and we do not know the gender of Tirutur / Tirumithir. It is also possible that this Elamite tradition influenced the Iranian tradition; in particular, about the similarity of the name and epithet (Dabiri) of Izad Tir and Tirumithir / Tirutur. However, the existence of reverse effects is also possible, which is not very possible to talk about with the current evidence. Obviously, a deep understanding of the connection between Tire and Tirumithir / Tirutur depends on the discovery of data about the names of the planets and the functions of the deities in ancient Elam, the origin of Indo-Europeans and Indo-Iranians, and the connections between Elamites and Iranians.

Keywords: Ancient Elam, Deities of Writing, Tir, Tishtrya, Historical Approach.

معرفی ایزدان نگارش در ایلام باستان از دریچه‌ی رهیافت تاریخی

علیرضا انتشاری نجف‌آبادی^۱، سرور خراشادی^۲

چکیده

نگاهی به تمدن‌های باستانی همچون مصر، میان‌رودان، یونان و ... نشان می‌دهد که نگارش و نویسندگی عمدتاً مرتبط با قلمروی ایزد(ان) مشخصی بوده‌است. براساس مدارک موجود می‌دانیم که ایلام نیز از تمدن‌هایی است که نگارش در آن پیشینه‌ای غنی و کهن داشته‌است؛ با وجود این، مبحث خدایان نگارش در تمدن ایلام تاکنون مغفول مانده و مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار نگرفته‌است؛ از این رو، در پژوهش حاضر با هدف شناسایی و معرفی ایزدان نگارش در ایلام باستان و نسبت آن با سنت میان‌رودانی و ایرانی، چنین طرح پرسش می‌شود که براساس شواهد موجود، چه ایزد(انی) مسئول حوزه نگارش و نویسندگی در اساطیر ایلام باستان بوده‌اند؟ چه رابطه‌ای میان نگارش اساطیری-مذهبی ایلام باستان با نگارش ایرانی و میان‌رودانی در حوزه ایزدان نگارش وجود داشته‌است؟ نتیجه مطالعات از دریچه "رهیافت تاریخی" (مطالعه تطبیقی اسناد مکتوب با شواهد مادی باستان‌شناختی) حاکی از آن است که احتمالاً نیپریش، تیرومیتهیر/تیروتیر، نبو و شاید نیسابه مسئول حوزه نگارش و نویسندگی در ایلام باستان بوده‌اند؛ در میان ایزدان نگارش، نبو و نیسابه ریشه میان‌رودانی (به ترتیب اموری و سومری) داشتند و می‌توان تأثیراتی میان‌رودانی درباره

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. a.enteshari@modares.ac.ir
 ۲. استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). s.khorashadi@modares.ac.ir
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

تیرومیتهیر/تیروتیر نیز پیشنهاد داد. در این میان، نبو و نیپریش مذکر و نیسابه مؤنث بود و از جنسیت تیرومیتهیر/تیروتیر نیز اطلاعی نداریم. همچنین ممکن است که این سنت ایلامی بر سنت ایرانی تأثیر نهاده باشد؛ به ویژه، درباره شباهت اسمی و لقبی (دیبری) ایزد تیر و تیرومیتهیر/تیروتیر. هر چند وجود تأثیراتی معکوس نیز محتمل است که با مدارک فعلی سخن گفتن درباره آن چندان میسر نیست. بدیهی است درک عمیق ارتباط تیر و تیرومیتهیر/تیروتیر منوط به کشف داده‌هایی درباره نام سیارات و وظایف ایزدان در ایلام باستان، خاستگاه هندواروپائیان و هندوایرانیان و ارتباطات ایلامیان و ایرانیان است.

واژه‌های کلیدی: ایلام باستان، خدایان نگارش، تیر، تیشتر، رهیافت تاریخی.

۱. مقدمه

یکی از موضوعاتی که در میان اساطیر ملل باستان (دارای نگارش) به آن اشاره شده، ایزد یا شخصیت اسطوره‌ای مرتبط با نویسندگی است؛ مثلاً در متون اولیه میان‌رودانی ایزدانو نیسابه به‌مثابه اولین کاتب که سروده‌های ایزدان را ضبط می‌کرد، معرفی می‌شود (Zgoll, 2022: 265-266, 283-291)؛ همچنین در دوره‌های پسین نیز شاهد اهمیت فزاینده ایزد نبو هستیم که قلمروی اصلی وی نگارش بوده است (Pomponio, 1998-2001: 17-24; Frayne and Stuckey, 2021: 220-221).

در مصر باستان نگارش و نویسندگی به ایزد توت ارتباط می‌یافت و کاتبان مصری خود را دنباله‌روی توت معرفی می‌کردند (Hart, 2005: 158). در هند باستان نیز گنپتی ایزد هنر نویسندگی و خرد دانسته می‌شد (Lurker, 2004: 65). یونانیان باستان، کادموس، پهلوان فنیقی را معرفی‌کننده الفبای فنیقی می‌دانستند (Herodotus, 2013: 341). در ایران یکی از روایات مشهور بیان می‌کند که طهمورث پس از پیروزی بر دیوان، از ایشان انواع خط و نوشتن را آموخت (فردوسی، ۱۳۶۶: ۳۷؛ همچنین نک: پورداوود، ۱۳۵۵: ۱۱۴-۱۱۶).

پژوهش حاضر به بررسی موضوع نگارش و ایزد(ان) مرتبط با آن در تمدن ایلام باستان پرداخته است. ایلام یکی از تمدن‌های پیشرو و دیرپا در خاور نزدیک و فلات ایران بود. دیرین‌ترین شواهد شناخته‌شده نگارش در این قلمرو خط مشهور آغاز ایلامی

است که در اواخر هزارهٔ چهارم و اوایل هزارهٔ سوم پ.م برای ثبت و ضبط امور اقتصادی و شماری به کار می‌رفت و عمدهٔ شواهد آن از شوش به دست آمده است؛ با این حال، برخی منشأ فرهنگ آغاز ایلامی را نه در جلگهٔ خوزستان بلکه در مناطق مرتفع‌تر شرقی جست‌وجو می‌کنند (نک: Englund, 1998; Dahl, 2018; Glassner, 2018: 450-455؛ سپس در نیمهٔ دوم هزارهٔ سوم پ.م شاهد تسلط سلسلهٔ اکد بر ایلام و رواج الواح میخی اکدی و سومری در شوش هستیم (Zadok, 2018: 146)؛ احتمالاً در همین زمان بود که ایشان خط میخی میان‌رودانی را برای نگارش زبان ایلامی برگزیدند (Tavernier, 2018: 418-424)؛ فزون بر خط میخی، ایلامیان در همین زمان از خط دیگری نیز استفاده می‌کردند که به ایلامی مخطوط مشهور است و تا اوایل هزارهٔ دوم پ.م برای نگارش کتیبه‌های سلطنتی به کار می‌رفت (Desset, 2018; Desset et al, 2022). در طول دورهٔ سوکل مخ زبان دستگاه اداری ایلامیان اکدی بود؛ با این حال، سبک نگارش اکدی کاتبان ایلامی تفاوت‌هایی با کاتبان میان‌رودانی داشت (Lackenbacher, 1998: 342-344)؛ زبان ایلامی نیز توسط خط میخی در کتیبه‌های سلطنتی به کار رفت. در دورهٔ ایلام میانه و نو شمار کتیبه‌های میخی ایلامی افزایش یافت (Stolper, 2004: 62-63; Tavernier, 2018: 418-420)؛ همچنین خط میخی اقتباس شده از میان‌رودان نیز مسیر تکاملی متفاوتی را پیمود؛ به طوری که در دورهٔ ایلام نو و هخامنشی به خط متفاوتی تبدیل شده بود (Tavernier, 2018: 422-424).

گرچه پیشینهٔ یادشده شکی باقی نمی‌گذارد که نگارش در میان ایلامیان اهمیت داشت، با توجه به نبود یا کمبود متون شاخص فرهنگ‌های شهر بنیاد (غیبت متون شعری، اسطوره‌شناسانه، وقایع‌نگاری، افسانه) و نیز سبقهٔ عشایری فرهنگ ایلامیان، احتمالاً نقش سنت شفاهی نیز در بین ایشان پررنگ بوده است و نباید جایگاه نوشتن در این فرهنگ را عیناً همچون فرهنگ شهر بنیاد میان‌رودان دانست (علیزاده، ۱۳۹۹: ۷۶، ۸۴ و ۸۵)؛ با وجود این، نحوهٔ نگرش مذهبی ایلامیان به جنبهٔ اساطیری نگارش چندان مورد توجه قرار نگرفته است. یکی از دلایل مهم این موضوع نبود متونی دربارهٔ داستان‌های اساطیری ایلامیان، وظایف ایزدان مختلف، ارتباط با یکدیگر و... است؛ از این رو، ما اطلاعات چندانی دربارهٔ خویش‌کاری ایزدان ایلامی و نوع رابطهٔ ایشان با

یکدیگر نداریم. نظر به سابقه نگارش در ایلام باستان، ویژگی‌های منحصر به فرد و متفاوت این تمدن نسبت به میان‌رودان و فقدان پژوهش‌های مرتبط با موضوع، در این پژوهش، به بررسی خدایان مرتبط با نگارش در تمدن ایلام پرداخته‌ایم تا گامی در شناخت نحوه نگارش فرهنگ ایلامی به موضوع نگارش برداشته باشیم.

پژوهش حاضر با تمرکز بر نگارش اساطیر ایلامی به موضوع نوشتن، چنین طرح پرسش می‌کند: براساس شواهد موجود، چه ایزد(انی) مسئول حوزه نگارش و نویسندگی در اساطیر ایلام باستان بوده‌اند؟ چه رابطه‌ای میان نگارش اساطیری-مذهبی ایلام باستان با نگارش ایرانی و میان‌رودانی در حوزه ایزدان نگارش وجود داشته است؟ از این رو، در این پژوهش با رویکرد رهیافت تاریخی، کتیبه‌ها و دیگر اسناد و مدارک باستان‌شناختی ایلامی و پژوهش‌های منتشر شده درباره مذهب، زبان و دیگر جنبه‌های فرهنگ ایلام باستان، برای یافتن ایزد(ان) مرتبط با نگارش و ویژگی‌های آنان مطالعه و بررسی شده‌اند.

نگرش اسطوره‌ای و مذهبی ایلامیان به نگارش و ایزدان مرتبط با این حوزه در ایلام باستان، موضوع پژوهش مستقلی نبوده است؛ باین حال، درباره برخی تأثیرات احتمالی ایلامی بر سنت ایرانی، پژوهشگرانی چون بویس (۱۹۸۲) و تاورنیه (۲۰۰۲) بحث‌هایی مطرح کرده‌اند. مری بویس در پژوهش خود درباره دین زرتشتی اعتقاد داشت که ایزد ایرانی تیر تأثیراتی را از نبوی میان‌رودانی که در ایلام نیز پرستش می‌شد، در بحث ارتباط با نگارش پذیرفته بود و شاید بستر این تأثیرات ایلام بوده باشد. تاورنیه نیز در مقاله‌ای به طور مستقل به ایزد ایرانی تیر پرداخته است؛ در اثر وی نیز به تأثیر نبو بر تیر توجه شده است؛ او همچنین احتمال ضعیفی مبنی بر تأثیر ایلامی مطرح می‌کند، اما به طور گسترده مورد بحث قرار نگرفته است. نظرات پژوهشگران یادشده در متن مقاله نقل و بررسی شده است.

۲. ایزدان مرتبط با نگارش در ایلام باستان

با بررسی اسناد و مدارک مختلف که بیشتر شامل کتیبه‌های ایلامی و نیز پژوهش‌های معاصرند، چهار ایزد مرتبط با نگارش شناسایی شد: نیسابه، نبو، نپیریش، تیرومیتھیر/تیروتیر. در ادامه نوشتار، هریک از این ایزدان و مدارک مرتبط با آنان معرفی

و بررسی خواهند شد.

۲-۱. نِسابه (Nissaba)

همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد، نِسابه ایزدبانویی بود که در میان‌رودان باستان مبدع خط و نوشتن دانسته می‌شد. این ایزدبانو تنها در یک دسته از منابع ایلام باستان، اسناد اکدی شوش از دورهٔ سوکل مخ گواهی شده است. در این اسناد نام وی در زمرة بخشی از نام‌های خاص افراد دیده می‌شود (Zadok, 2018: 150); جز این، نگارندگان منبع دیگری حاوی اشاره به ایزدبانو نِسابه در ایلام باستان نیافتند.

۲-۲. نِبو (Nabû)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و اعمال ایزد نِبو در اساطیر میان‌رودان، نویسندگی و نگه‌داشتن حساب ایزدان بود؛ در واقع، پژوهشگران اصلی‌ترین ویژگی این خدا را کتابت دانسته‌اند؛ در نتیجه، نِبو ایزد کتابت در این سرزمین شمرده می‌شد. به‌نظر می‌رسد که این نقش از ایزدبانو نِسابه گرفته شده بود. بازنمایی نجومی این ایزد سیارهٔ تیر بود. احتمالاً نِبو را اموری‌ها به میان‌رودان معرفی کردند. نِبو در اساطیر میان‌رودان وزیر مردوک بود. در ابتدا وی را فرزند مردوک و ضریپانیتوم می‌دانستند و سپس او را فرزند آشور معرفی کردند؛ چنین چیزی دربارهٔ همسران او نیز صادق است و در طول تاریخ، چند الهه به‌عنوان همسر او معرفی شده‌اند. باگذشت زمان جایگاه نِبو در ایزدکدهٔ میان‌رودان روبه‌فزونی گذاشت؛ به‌طوری‌که به‌تدریج از وزارت مردوک به خدایی برابر با وی تبدیل شد (Pomponio, 1998-2001: 17-18; Lurker, 2004: 131; Frayne and Stuckey, 2021: 220-221). قدیمی‌ترین یادکرد از این ایزد به دورهٔ بابل قدیم برمی‌گردد. این خدا از همان دورهٔ بابل قدیم با امر نگارش مرتبط بوده است؛ در واقع، متون این دوره وی را کاتب اساطیر و راهنمایی‌کنندهٔ قلم معرفی می‌کنند و حتی جایگاه وی نیز در فهرست‌های خدایان این دوره پس از ایزدبانوی نِسابه است؛ نِبو همچنین در متون بابل قدیم با صفاتی چون هوش و خرد مرتبط بود و به‌نظر می‌رسد که از همان دورهٔ بابل قدیم در مسیر پیشرفت در جایگاه خدایان بوده است. محبوبیت این ایزد در دورهٔ کاسی نیز قابل توجه بود و در دورهٔ بابل نو و آشور نو به بیانی شاهد اوج آن هستیم. شهرت

این ایزد و ویژگی کاتب و ارتباط آن با نگارش تا سال‌ها بعد و قرون پس از میلاد مسیح نیز در خاطر مردمان خاور نزدیک مانده بود؛ به طوری که، حتی در تفسیری بر کتاب پیدایش، مخترع رسم الخط پارسیان شخصی به نام نبو معرفی شده است (Pomponio, 1998-2001: 17-22).

قدیمی‌ترین گواهی نام ایزد نبو در ایلام را می‌توان در دوره سوکل مخ (حدود ۱۹۰۰-۱۵۰۰ پ.م) یافت؛ جایی که نبو به عنوان جزئی از یک نام خاص در اسامی افراد ذکر شده در گل‌نشته‌های شوش از اوایل دوره بابل قدیم (اوایل دوره سوکل مخ) که به زبان اکدی نگاشته شده‌اند، دیده می‌شود (Zadok, 2018: 152; MDP 23: 316)؛ اولین مدرک درباره ساخت معبدی برای نبو در ایلام به زمان تپتی‌آهر، دوره ایلام میانه I (۱۳۰۰-۱۵۰۰ پ.م) در محوطه باستانی هفت تپه مربوط می‌شود؛ همچنین در این کتیبه از ازدواج ایزدکیروش با ایزد نبو و عیدی مرتبط با آن سخن به میان آمده است (صراف، ۱۳۸۴: ۹۵). جالب‌ترین مدارک اما، کتیبه‌های سلطنتی اونتش‌نپیریش (قرن ۱۳ پ.م) از دوره ایلام میانه II از شوش و چغازنبیل‌اند که یکی از احتمالات موجود می‌گوید همگی دراصل برای چغازنبیل بوده‌اند (نک: مفیدی نصرآبادی، ۱۴۰۰: ۶۰؛ Hinz and Koch, 1987: 1329; Mofidi Nasrabadi, 2013: 65-66)؛ این کتیبه‌ها از نبو با املاهای Na-bu، Na-bu-u و Na-bi-um یاد کرده‌اند (Hinz and Koch, 1987: 977)؛ گرچه برخی پژوهشگران Nabium و Nabium را به عنوان دو ایزد مختلف فهرست کرده‌اند (Potts, 2004: Table 7.8)، اما اعتقاد براین است که Nabium دراصل نام کهن تر Nabu بوده است (Steve, 1967: 812; Pomponio, 1998-2001: 17; Frayne and Stuckey, 2021: 220)؛ از این رو، احتمالاً این دو نوع املاء هر دو به ایزد نبو اختصاص داشته‌اند. در کتیبه EKI 6c^۱ اونتش‌نپیریش از ساخت معبدی به نام huštin از گل پخته برای نبو سخن گفته است. این واژه در متون ایلامی تنها یک بار آن هم در همین جا گواهی شده است. کونیش (۱۹۷۷: ۴۰) آن را پرستشگاه (به آلمانی Heiligtum) یا بنیاد زمینی (به آلمانی Irdisches Fundament) ترجمه کرده است.

۱. کوته‌نوشت EKI برای کتیبه‌های سلطنتی ایلامی به کار می‌رود که کونیش (König, 1977: 42) به آلمانی ترجمه و منتشر کرده است.

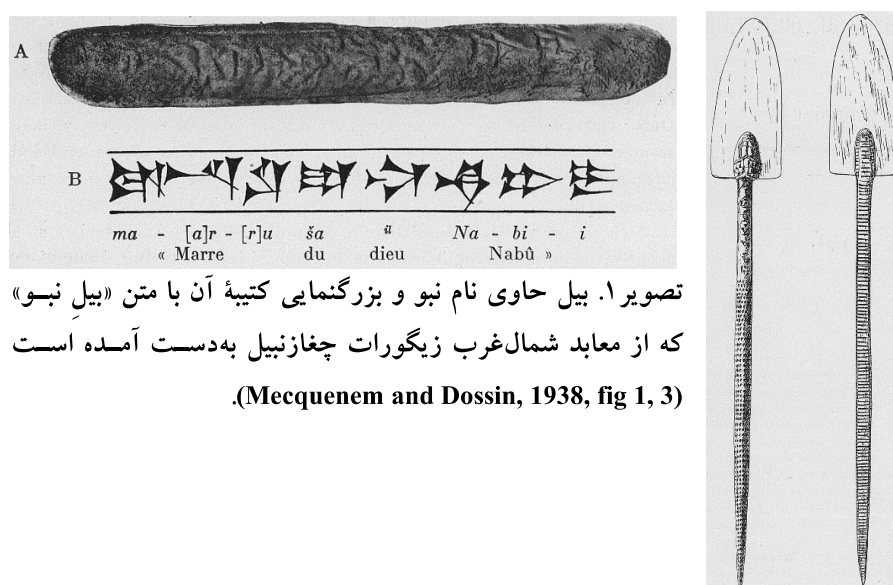
هینتس و کخ (۱۹۸۷: ۷۲۴) آن را Geborgenheit به احساس امنیت یا آسایش برگردانده‌اند و کوئیتانا (UntN S No. 4: 2014). ترجمه‌ای از آن ارائه نکرده است. متأسفانه با داده‌های فعلی نمی‌توان سخن روشنی دربارهٔ معنای این واژه بیان کرد. صرفاً با توجه به دستور زبان ایلامی (نک: علی‌یاری بابلقانی، ۱۳۹۳: ۳۸؛ همچنین نک: Tavernier, 2018: 439) شاید بتوان آن را مصدر فعل hušti دانست؛ شاید معبدهی مرتبط با انجام مناسکی خاص به‌همین نام در کتیبه‌های EKI 71a و MDP 41^۱ (که هردو متن یکسانی دارند) از ساخت معبدهی برای نبو از گل پخته و قراردادن مجسمهٔ طلایی نبو در آن خبر می‌دهد. وی در پایان از این ایزد با عنوان نبوی سیانکوک (به ایلامی Nabu siyankuk.ra) به معنای «نبوی محوطهٔ مقدس» (نک: Hinz and Koch, 1987: 1095; Vallat, 1998: 335-336) یاد می‌کند؛ در دو کتیبهٔ EKI 12E و MDP 41 42 نیز از موارد مشابهی یاد شده است.

دربارهٔ شواهد مادی این معبد، چیز زیادی نمی‌توان گفت. برخی پژوهشگران معبد نبو در چغازنبیل را در سوی شمال‌غربی زیگورات در نظر گرفته‌اند (Potts, 2004: 223)؛ چراکه از فضایی T شکل در این بخش که پرستشگاه کوچکی را تداعی می‌کند بیلی حاوی نام نبو به دست آمده است (گیریشمن، ۱۳۷۲: ۱۱۹)؛ با این حال، به گفتهٔ مفیدی نصرآبادی (۱۴۰۰: ۱۲۹) این نظر قابل قبول نیست؛ زیرا فضایی که بیل از آن به دست آمده به معبد ایشمه-کرب تعلق داشت و احتمالاً بیل مذکور نیز در دوره‌ای متأخرتر به آنجا آورده شده است.^۲ این بیل به شکل مار از دورهٔ اونتش‌نپیریش، از اسناد مهم باستان‌شناختی دربارهٔ نبو است؛ زیرا از آنجا که بیل (به اکدی marru) نماد مردوک بود، این شیء نشان‌دهندهٔ یکی بودن نماد و شمایل‌نگاری این دو ایزد در این زمان بوده است و با آنچه از وی در میان‌رودان می‌دانیم هماهنگ است (Mecquenem and Dossin, 1938; Seidl, 1998-2001: 22). لوحی نیز حاوی نام نبو از نزدیکی معبد هیشمیتیک و روهوراتیر گزارش شده است (گیریشمن، ۱۳۷۵: ۴۴)

۱. کوه‌نوشت MDP 41 برای اشاره به کتیبه‌های سلطنتی به دست آمده از چغازنبیل به کار می‌رود که استو (Steve, 1967) منتشر کرده است.

۲. ممکن است معبد این ایزد متعلق به آن گروهی باشد که با مرگ شاه اونتش‌نپیریش ساختش عملی نشد و فقط کتیبه‌اش نوشته شد (مفیدی نصرآبادی، ۱۴۰۰: ۶۰-۶۱).

استو (۱۹۶۷: ۸۱-۸۲) براساس مکان پیداشدن کتیبه‌های پیشکشی این ایزد در چغازنبیل (در انباشتی چسبیده به حصار شمال شرقی میانی، صحن جنوب شرقی و زاویه جنوبی زیگورات) معتقد است که احتمالاً بنای معبد این ایزد پس از مدتی کاربری خود را از دست داده است. وی همچنین بنای معبد مربعی جنوبی را نیز جایگزینی برای معبد نبو در نظر می‌گیرد.



تصویر ۱. بیل حاوی نام نبو و بزرگنمایی کتیبه آن با متن «بیل نبو» که از معابد شمال غرب زیگورات چغازنبیل به دست آمده است (Mecquenem and Dossin, 1938, fig 1, 3).

در دوره ایلام نو شواهدی از ساخت معبدی برای نبو در شوش در اختیار نداریم؛ بااین حال، نام نبو برای برخی افراد دیده می‌شود؛ از جمله نبودمیتق فرستاده ایلامی به دربار آشوربانیپال (Ashurbanipal 3: vi 48) و نبونصیر در الواح آکروپل شوش^۱ (MDP 9 168) که نفر دوم از شیوخ قبیله آرامی زری در غرب خوزستان بود (Gorris and Wicks, 2018: 257; Henkelman, 2008: 6). بر روی برخی گل‌نشته‌های MDP 9 اثر مهرهای استوانه‌ای کتیبه‌داری به چشم می‌خورد که یکی از موارد پرتکرار آن صحنه دو موجود بال‌دار در دو طرف یک درخت است که یک دیسک خورشید روی آن قرار دارد و کتیبه آن حاوی دعایی بابلی است که مردوک و

۱. کوته‌نوشت MDP 9 برای اشاره به حدود دویست کتیبه اداری از دوره ایلام نو به کار می‌رود که شیل (Scheil, 1907) منتشر کرده است.

نیو را می‌خواند (Scheil, 1907: 76; Potts, 2004: 300; Garrison, 2018: 656; MDP 9 90, 107, 123, 134).

۲-۳. نَپیریشَ (Napiriša)

نَپیریشَ یکی از مهم‌ترین ایزدان ایلام باستان بود. نام وی را که به معنای ایزد بزرگ بود، عمدتاً با اندیشه‌نگار سومری DINGIRGAL می‌نگاشتند (EKI 11, 13A, 15, 16, 28A) (etc؛ باین حال، شکل هجایی نیز در کتیبه‌ها گواهی شده است (Lambert, 1972: 64; Hallock, 1969: PF 353, 354, 596; Henkelman, 2008: 524). در بسیاری از کتیبه‌های سلطنتی ایلامی وی به همراه کیریریشَ و اینشوشینک سه ایزد نخست هستند؛ در بسیاری نیز نَپیریشَ پیش‌گام بقیهٔ ایزدان است (EKI 47, 54)؛ وی در اصل به ایزدکدهٔ منطقهٔ کوهستانی قلمرو ایلام، به‌ویژه انشان تعلق داشت (Vallat, 1998). برخی پژوهشگران وی را نام دیگر هومبِن در دوره‌های قدیم‌تر می‌دانند که در دوره‌های پسین به ایزد مستقلی تبدیل شده است (Hinz and Koch, 1987: 332)؛ باین حال، موضوع انطباق نَپیریشَ و هومبِن پذیرفته نشده است (Henkelman, 2008: 354-355; vide: Steve, 1967: 28-29)؛ نَپیریشَ در کتیبه‌های ایلامی با القاب و نیز معابد متنوعی همراه شده است. مطلب مدنظر ما جمله‌ای در کتیبه‌های MDP 41 9 و EKI 11D با متنی یکسان از اونتَش نَپیریشَ است:

EKI 11D, MDP 41 9	... "Si-ya-an ta-li-in ku-si-ih ^{DINGIRGAL} si-ya-an-ku-uk-ra in du-ni-ih 1 šu-uh-tir ir tah"...
----------------------	---

معنای کلی جملهٔ بالا این است که اونتَش نَپیریشَ (به زبان اول‌شخص) معبد تَلین (siyan talin) را برای ایزد نَپیریشَ محوطهٔ مقدس (Napiriša siyankukra) ساخته (kuših)، به او تقدیم کرده (in tunih) و نیز یک مذبح (Hinz and Koch, 1987: 1176) در آن قرار داده است (1. šuhtir ir tah). کونیش (59: 1977) معنای talin را اصطیل دانسته است؛ هرچند این نظر چندان قانع‌کننده نیست و دیگر پژوهشگران ترجمهٔ آن به «نوشتن» را محتمل‌تر دانسته‌اند (Steve, 1967: 28; Hinz and Koch, 1987: 274). استیو در ادامه خاطر نشان می‌کند که این نام نشان‌دهندهٔ وجود ارتباط میان جنبهٔ مذهبی نگارش و معبد نَپیریشَ است (Steve, 1967: 28). باید در نظر داشت که

باتوجه به اطلاعات ما از زبان ایلامی، این ترجمه قطعی نیست (مفیدی نصرآبادی، مکاتبات شخصی با نگارنده)؛ با این حال، به نظر نگارندگان درمیان پیشنهادهاى موجود نسبتاً قانع کننده و در واقع محتمل ترین است؛ زیرا همان طور که استیو (28: 1967) نیز بیان می کند talli و گاهی tali در ایلامی در معنای نوشتن به کار رفته است و باتوجه به دستور زبان ایلامی درباره مصدر، احتمالاً می توان talin را دارای معنای مصدری «نوشتن» دانست؛ همچنین نگارندگان در جست و جوی واژگان مشابه برای درک هرچه بهتر موضوع، به عبارت ظاهراً مشابهی در کتیبه ای از اواخر ایلام میانه III از فارس برخوردند (Lambert, 1972) که جمله انتهایی این کتیبه از این قرار است:

Lambert, 1972: 64	AS ^A an-ša-an si-ia-an ta-ri-in DINGIR ^A na-pi-ri-ša DINGIR ^A ki-ri-ri-ša DINGIR ^A in-su-uš-na-ak DINGIR ^A si-mu-ut-me e-ri-en-tum-ià pi-ip-si- ih ku-si-ih
----------------------	--

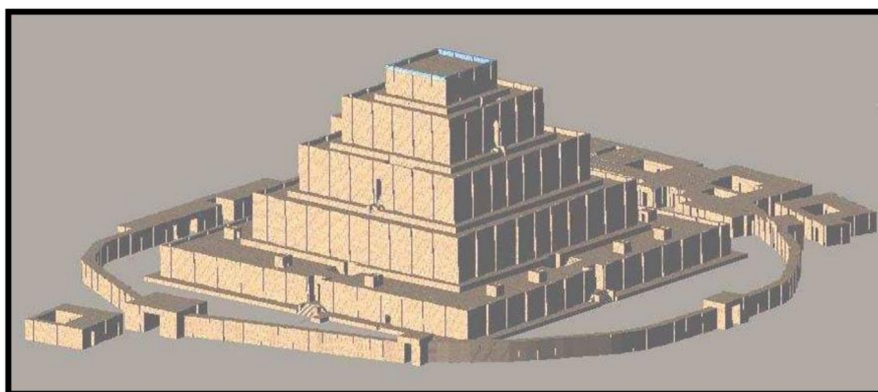
در این کتیبه سخن از بازسازی و ساخت معبدی برای چهار ایزد در انشان است: نپیریش، کیریریش، اینشوشینک و سیموت. نام این معبد tarin است. نکته ای که وجود دارد این است که در زبان ایلامی گاهی r و l به جای هم نوشته می شوند (Khačihjan, 1998: 9; Stolper, 2004: 71)، اما آیا siyan talin و siyan tarin با هم برابر هستند؟ پژوهشگران tarin را به معنای اتحاد و همبستگی دانسته اند که نظر به دیگر گواهی ها در زبان ایلامی در این منابع، بسیار محتمل به نظر می رسد (Lambert, 1972: 66; Hinz and Koch, 1987: 289)؛ این موضوع احتمالاً از وجود چهار ایزد در یک معبد ناشی شده است؛ مسئله ای که در کتیبه پیشین دیده نمی شد و بنابراین بعید است که talin صورت دیگر tarin به معنای اتحاد باشد؛ با این حال، نگارندگان کماکان اندک احتمالی را به حکم احتیاط درباره معنای «نوشتن» برای tarin قائل اند.

بقایا و شواهد دو مورد از معابد وقف شده برای نپیریش باقی مانده است؛ اولی زیگورات مشهور چغازنبیل در پنج طبقه و حدود پنجاه متر که به طور مشترک به نپیریش و اینشوشینک (ایزدان بزرگ انشان و شوش) اختصاص یافته بود (مفیدی نصرآبادی، ۱۴۰۰: ۱۲۷-۷۷؛ Carter, 1992: 9-13; Vallat, 1998: Mofidi Nasrabadi, 2013: 80؛ 335-336)؛ معبد دیگر با نقشه مستطیلی در پایین زیگورات، در نزدیکی و شمال آن قرار دارد (نک: مفیدی نصرآبادی، ۱۴۰۰: ۱۴۴-۱۴۲). به نظر می رسد معبد talin با معبد

روی زیگورات منطبق بوده باشد؛ درواقع، معبدی که در طبقهٔ انتهایی زیگورات قرار داشت دارای دو بخش بوده است: قسمتی که برای اینشوشینک بود، احتمالاً likrin نامیده می‌شد و قسمتی که برای نپیریش بود، احتمالاً talin نام داشت (Mofidi Nasrabadi, 2013: 72, Tab.17).^۱

۲-۴. تیرومیتھیر/تیروتیر (Tirutir/Tirumithir)

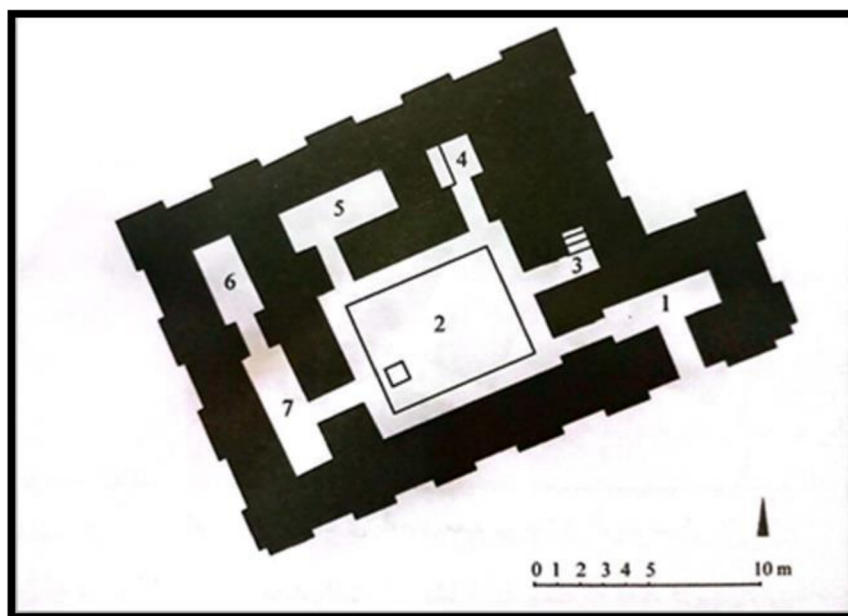
ایزد یا ایزدبانویی به نام تیرومیتھیر در دورهٔ ایلام میانه (EKI 54, 68) و ایزد یا ایزدبانویی به نام تیروتیر در دورهٔ ایلام نو (EKI 75) گواهی شده است.^۲ برخی پژوهشگران این دو را جدا شمرده‌اند (صراف، ۱۳۸۴: ۱۱۸ و ۱۲۲-۱۲۶؛ König, 1977: 346; Frayne and Stuckey, 2021: 346; Alvarez-Mon, 2020: 227) و برخی آن‌ها را یکی دانسته‌اند (Hinz and Koch, 1987: 338; Henkelman and Khaksar, 2013: 61; Krebernik, 2014: 221).



تصویر ۲. طرح بازسازی شدهٔ زیگورات چغازنبیل (Mofidi Nasrabadi, 2015: Fig. 14): معبد اصلی این زیگورات بر فراز و در طبقهٔ انتهایی زیگورات قرار داشت و احتمالاً بخش مربوط به نپیریش در آن معبد talin نامیده می‌شد.

۱. لازم به اشاره است که برای likrin معانی چون «حاکمیت» (König, 1977: 42) و «سیاسگزاری» (Hinz and Koch, 1987: 822) پیشنهاد شده است.

۲. برخی پژوهشگران (Vallat, 2002: 530-54 cited in Alvarez-Mon, 2020: 139) هشتمین ایزد ذکر شده در پیمان هیت-تَرَم‌سین را نیز تیروتیر دانسته‌اند؛ با این حال بر سر این موضوع اتفاق نظری وجود ندارد.



تصویر ۳. نقشه معبد نیپیش در چغازنبیل، در پایین زیگورات (مفیدی نصرآبادی، ۱۴۰۰: تصویر ۸۰). ۱- دالان ورودی ۲- حیاط ۳- راه پله ۴- آشپزخانه ۵- انبار ۶ و ۷- اتاق‌های مقدس (همان: ۱۴۲-۱۴۴)

در واقع طبق نظر اخیر، تیروتیر شکل متأخر تیرومیتھیر است که نگارندگان نیز از همین نظر پیروی کرده‌اند؛ زیرا در دوره‌های متأخر صامت h را از دست داده بود (علی‌یاری بابلقسانی، ۱۳۹۳: ۱۰؛ Stolper, 2004: 71; Khačikjan, 1998:7; Grillot-Susini, 1998; Tavernier, 2018: 425)؛ همچنین گویا در دوره ایلام میانه و نو از علائم حاوی m برای نشان دادن w استفاده می‌شد همچون نگارش نام ایلامی قدیمی Siwepalarhuhpak (EKI 3) به شکل Simepalarhuhpak (EKI 28A) در ایلامی میانه یا Kukkirwaš (IRS 18) ایلامی قدیم به شکل Kukkirmaš ایلامی میانه (IRS 49).

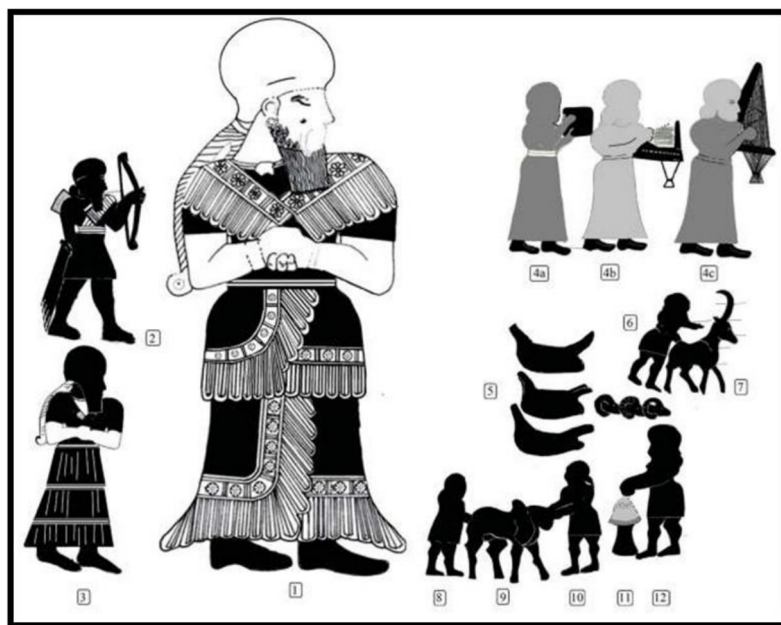
آنچه باعث شده تا نام این ایزد در این پژوهش آورده شود، صفتی است که در دوره ایلام میانه به آن اطلاق شده است؛ در هر دو کتیبه EKI 54, 68 شاهد فراخواندن

۱. کتبه‌نوشت IRS برای کتیبه‌های سلطنتی ایلامی به کار می‌رود که مالبران‌لابا (Malbran-Labat, 1994) از ایلامی، اکدی و سومری برگردانده است.

تعدادی از ایزدان ایلامی در قالب «ای + نام ایزد + لقب» هستیم که لقب عمدتاً به شکل یک عبارت بیان شده است. در این کتیبه‌ها تیرومیتهیر به ترتیب در رده‌های ۱۱ (EKI 54) و ۶ (EKI 68) فهرست ایزدان خوانده شده قرار دارد؛ جمله‌های مربوط به تیرومیتهیر بدین شرح است:

EKI 54	[e] ^{DINGIR} Ti-ru-mi-it-hi-ir ni-iz-za ba-te-[i]k-e-ri ti-pi-ir [su ²]-un-ki-ir
EKI 68	[e] ^{DINGIR} Ti-ru-mi-it-hi-[ir] [ni-iz-za ba-te-ik

کونیش (1977: 119) برای عبارت nizza patek(eri) معنایی پیشنهاد نداده است، اما tipir sunkir را «دبیر، پادشاه» معنی کرده است. هینتس و کخ (1987: 999) نیز دربارهٔ دو کلمهٔ اول نظر مشابهی دارند و احتمال می‌دهند tipir-sunkir به معنای دبیر-پادشاه باشد؛ با این حال، کوئیتانا (2014: Shi I n^o7a) Alvarez دو کلمهٔ اول را با تردید به معنای شبان مردم (ش) و کل جمله را به «شبان مردمش، دبیر و پادشاه» معنی کرده است. واژه pate در ایلامی باستان احتمالاً با گله مرتبط است و حتی خود هینتس و کخ (1987: 166) نیز واژه patek را به معنای «من شبان هستم»، ترجمه می‌کنند. بر این اساس شاید بتوان آن را این‌گونه معنی کرد: «ای ایزد تیروتیر نیز ای که من شبانش هستم، دبیر و پادشاه»؛ با این حال چیزی که برای ما در اینجا اهمیت دارد، واژه tipir است؛ این واژه را که عمدهٔ محققان به نویسنده و کاتب ترجمه کرده‌اند، در زبان فارسی به صورت «دبیر» باقی مانده است (تفضلی، ۱۳۸۵: ۳۷؛ Tafazzoli and Rajabzadeh, 1993). حسن دوست، ۱۳۹۳: ۱۲۶۷-۱۲۶۸). بر اساس نظر تاورنیه (2007: 59-64)، این واژه ایلامی از ریشهٔ tep/tip ایلامی به معنای «شکل دادن» می‌آید و در دورهٔ ایلام قدیم با یک مقام مهم قضایی و در دوره‌های متأخر با مقام کاتبی و کار نگاشتن ارتباط داشته است؛ بر این اساس و علی‌رغم ابهامات موجود در معنای عبارت یادشده، به نظر می‌رسد که ایزد تیرومیتهیر احتمالاً با دبیری (که با نگارش پیوند دارد) ارتباط داشته است.



تصویر ۴. طرح نقش برجسته کول فرح ۱ در ایذه (Alvarez-Mon, 2020: plate 159)

این ایزد بار دیگر در کتیبه نقش برجسته هنی (تصوی ۴)، حاکم محلی آباپیر (ایذه امروزی) در کول فرح با نام تیروتیر ظاهر می شود (قرن ۷ یا ۶ پ.م). در این نقش برجسته شخص هنی بزرگ تر از بقیه، در حالی که دست هایش را به هم گره زده، ترسیم شده است و در مرکز تصویر قرار دارد. در پشت سر هنی دو مقام درباری و در جلوی او سه نوازنده، یک نگهدارنده بز در کنار لاشه سه قوچ، دو شخص در حال ذبح یک گاو کوهان دار و کاهنی در کنار آتشدان نقش شده اند (Alvarez-Mon, 2020: 385). در یکی از کتیبه های این نقش برجسته (EKI 75)، هنی از ایجاد نقش برجسته خود در برابر تیروتیر باشکوه (Quintana, 2014; Han n°1a) یا بسیار مسلح (به آلمانی der starkbewehrte) (Hinze and Koch, 1987: 1093) می گوید و در کتیبه اصلی نیز پس از معرفی خود و یادکردن از ایزدانی چون تپتی، تیروتیر، نیپر، شیموت و هومبن و توصیف ایشان، به کارزارهای نظامی و ساخت و سازهای مذهبی اش می پردازد. در جمله اول این کتیبه عبارت زیر به چشم می خورد:

EKI 75	e ... ^{DINGIR} Ti-ru-[tur ..]-ti-ir ^{DINGIR} Ti-ru-tur si-ul-hi-te-ik-ra ši-ul-ha-ma-ak ^{DINGIR} Na-ap-pi-ir-ra ba-hi-ir su-un-ki-ip-ri
--------	--

کونیش (1977: 155) silhitekra را به silhite نام مکانی در کتیبه ترجمه کرده است؛ باین حال املاي این دو واژه با هم متفاوت است و همان‌طور که گفته شد، هینتس و کخ آن را به بسیار مسلح و کوئیتانا به باشکوه ترجمه کرده‌اند. عبارت بعدی، وی را قدرتمند ایزدان و پاینده (Quintana, 2014: HANNI #1) یا حامی (Hinz and Koch, 1987: 121) پادشاهان می‌خواند؛ بنابراین، در این کتیبه وی لقب مرتبطی با نگارش ندارد؛ همچنین لازم به اشاره است که در نقش برجسته‌های مجموعهٔ کول‌فرح تصویری از این ایزد نمی‌یابیم؛ همین نکته، در کنار وجود نوازندگان در نقش برجسته باعث شده تا او را مرتبط با پژواک صدا در کوهستان منطقه‌ای بدانند که نقش برجسته در آن قرار دارد (Henkelman and Khaksar, 2013).

۳. بحث و جمع‌بندی

در بخش‌های پیشین به معرفی سه ایزد و یک ایزدبانو پرداخته شد که در ایلام پرستش می‌شدند و به نحوی با امر نگارش ارتباط داشتند. اساساً ایزدان و ایزدبانوان ایلامی بسیار پرشمار بوده‌اند؛ چنان‌که از بسیاری از آن‌ها جز اسم چیز دیگری نمی‌دانیم (Vallat, 1998: 335-336, 342). به سبب کمبود متون مذهبی نیز اساساً آگاهی زیادی دربارهٔ خویش‌کاری آنان نداریم؛ همچنین معنای برخی واژگان ایلامی برای ما مبهم است؛ مثلاً اگر واژهٔ tarin در کتیبهٔ هوت‌لوتوش اینشوشینک به معنای نوشتن باشد (که احتمال آن البته اندک است)، آن‌گاه می‌توان احتمال داد که ایزدانی چون اینشوشینک، کیریریش و شیموت نیز به بحث نگارش مرتبط بوده‌اند؛ به این موارد می‌بایست خطاهای احتمالی نگارندگان را نیز در یافتن ایزدان و ایزدبانوان مرتبط با نگارش افزود؛ هرچند نگارندگان تلاش فراوانی در راستای شناسایی خدایان مربوطه انجام داده‌اند، اما احتمالاً خدایان نام‌برده، تنها موارد مرتبط با نگارش نخواهند بود.

ایزدبانو نیسابه در ایلام باستان فقط در نام‌های اشخاص گواهی شده است و چیز بیش‌تری از وی در اختیار نداریم. در میان سه ایزد دیگر، دو مورد ریشهٔ ایلامی و یک مورد ریشهٔ میان‌رودانی دارند؛ همچنین نپیریش و نبو مذکرند و دربارهٔ جنسیت

تیرومیتهیر/تیروتیر مدرکی نداریم. ایزد میان‌رودانی نبوست. براساس داده‌های موجود، وی در شوش از دوره ایلام قدیم تا ایلام نو تاحدی محبوب بوده است؛ این موضوع نشان می‌دهد که نبو بسیار زودتر از جاهایی چون مصر و آناتولی (Frayne and Stuckey, 2021: 220-221) به ایلام راه یافته بود؛ همچنین به‌نظر می‌رسد که در دوره ایلام میانه معبد یا معابدی برای وی تدارک دیده بودند؛ هرچند از ساخت آن مطمئن نیستیم و جز این چیز بیشتری از وی نمی‌دانیم؛ حتی درباره نحوه نگرش ایلامیان به این ایزد نیز آگاهی نداریم و نمی‌دانیم که آیا آنان به جنبه نویسندگی نبو اعتقاد داشتند یا خیر. دیرینگی ویژگی کاتبی نبو و ارتباط شمال‌نگاری و نماد آن در ایلام با دنیای میان‌رودانی، ممکن است پاسخ مثبتی برای این پرسش پیش‌رو باشد؛ باین‌حال، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، سبقه کوچ‌نشینی فرهنگ ایلامی باعث شده بود تا کمیت و تنوع متون برجای‌مانده از ایلام با میان‌رودان که تمدنی شهرنیا بود، متفاوت باشد (علیزاده، ۱۳۹۹: ۷۶، ۸۴-۸۵)؛ بنابراین، ممکن است خدایان میان‌رودانی با توجه به ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایلام تغییراتی یافته باشند. نکته جالب توجه دیگر در مورد این ایزد، تأثیری است که بر سنت ایرانیان گذاشت. پژوهشگران اتفاق نظر دارند که آیین مربوط به تیر در ایران باستان با توجه به اشتراکاتی که با نبو دارد (به‌ویژه در زمینه ارتباط آن با نگارش)، تأثیرات بسیاری از این ایزد میان‌رودانی پذیرفته است (Boyce, 1982: 31-32; 1988: 277; Tavernier, 2005: 357-358). به‌نظر می‌رسد نفوذ نيسابه و نبو به دشت خوزستان محدود بود و در عمق سرزمین ایلام، یعنی فارس و مناطق کوهستانی نفوذ نکرده بود.

مورد دیگر نپیریش است؛ وی از جمله ایزدان برتر و بزرگ ایلامیان باستان بود و در بسیاری از متون ایلامی همواره در صدر جایگاه ایزدان قرار دارد. به‌نظر می‌رسد که این ایزد همچون اینشوشینک (نک: خراشادی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۲: ۶۰-۷۴) خویش‌کاری‌های مختلفی داشته است. از او با عنوان ارباب بزرگ (temti rišari) EKI (47) و kuk kasitri (EKI 54) یاد شده است که در معنای این دومی اختلاف‌نظرهایی وجود دارد، اما بعید است با نگارش ارتباط بیابد (König, 1977: 118; Hinz and Koch, 1987: 409). همان‌طور که گفته شد، احتمالاً نام پرستشگاه این ایزد در طبقه

انتهایی زیگورات چغازنبیل معنی «معبد نوشتن» داشته است. بعید است که این معبد نیز همانند معبد نبو در میان‌رودان دورهٔ پسین (Robson, 2015) مکانی برای کاتبان و کتابت بوده باشد؛ باوجوداین، براساس نام این معبد می‌توان احتمال داد که نپیریش با نگارش یا حداقل با جنبهٔ مذهبی‌اش (Steve, 1967: 28) ارتباط داشته است. دربارهٔ جزئیات این نگرش و نیز اینکه چنین عقیده‌ای مربوط به مقطع زمانی ایلام میانه بوده یا در سرتاسر تاریخ ایلام وجود داشته است، به سبب کمبود مدارک چیزی نمی‌توان گفت. نگارندگان باتوجه به ثبات نسبی ایزدان ایلامیان در طول تاریخ خود (Hinze, 1972: 42)، وجود ارتباط احتمالی میان نپیریش و نگارش را به بازهٔ زمانی گسترده‌ای از تاریخ ایلام نسبت می‌دهند. به نظر می‌رسد این ایزد در دورهٔ هخامنشی، در جریان شکل‌گیری سه‌گانهٔ اهورامزدا-میترا-آناهیتا تحت تأثیر سه‌گانهٔ نپیریش-اینشوشینک-کیریریش، همتای اهورامزدا انگاشته شده و احتمالاً آن را تحت تأثیر قرار داده باشد؛ چراکه ویژگی‌های قابل‌مقایسه‌ای بین این دو دیده می‌شود (Jahangirfar, 2018: 111-112).

درنهایت می‌بایست به آخرین ایزد مورد بحث در این پژوهش پردازیم؛ تیرومیتیر/تیروتیر. متأسفانه این ایزد تنها سه بار در کل تاریخ ایلام گواهی شده است و هر سه بار نیز کلماتی او را همراهی می‌کنند که برخی از آن‌ها معنای روشنی برای ما ندارند؛ باین حال، به نظر می‌رسد که این ایزد لقب دبیر (به ایلامی *tipir*) داشته یا با دبیری در پیوند بوده است. موضوعی که در اینجا جلب توجه می‌کند، شباهت نام این ایزد با «تیر» در فارسی است؛ این شباهت محدود به نام نمی‌ماند و ما می‌دانیم که تیر نیز در اساطیر ایرانی (Boyce, 1982: 32-33; 1988: 277; Panaino, 1995: 61;) و حتی ادبیات فارسی پس از اسلام (مثلاً نک: رودکی، ۱۳۷۳: ۹۱) با دبیری پیوند داشته است. آیا چنین شباهتی هم در نام و هم در عنوان و پیشه، می‌تواند تصادفی باشد؟ بهتر است پیش از پاسخ به این پرسش به پیشینهٔ تیر پردازیم.

تقریباً بیش‌تر پژوهشگران اعتقاد دارند که تیر یک ایزد ایرانی غربی بود (Boyce, 1975: 77; 1982: 119; 1988: 277; Panaino, 1995: 61, 67; 2005; Tavernier, 2005: 368). برای نام این ایزد ریشه‌های مختلفی پیشنهاد شده است، اما عمدهٔ پژوهشگران ریشهٔ ایرانی را پیشنهاد داده‌اند (*Tīr < Tīri < Tīriya*) و عمدتاً آن را با

«حرکت سریع» مرتبط کرده‌اند (Boyce, 1982, 33; Tavernier, 2005: 356)؛ باین‌حال، برخی از باورمندان ریشه ایرانی، آن را با شکافتن (نک: Panaino, 1995: 72)، نوک‌تیزبودن (شوارتس، ۱۳۸۵: ۴۷۶) و دیدن (نک: حسن‌دوست، ۱۳۹۴: ۹۲۹) قرین می‌دانند؛ همچنین نظراتی درباره ریشه سامی و پیشاارمنی آن ارائه شده که تاورنیه (2005: 365) به خوبی نقایص آن‌ها را نشان داده است. برخی پژوهشگران اساساً اعتقاد دارند که تیر و تیشتر از ابتدا یک ایزد بوده‌اند (شوارتس، ۱۳۸۵: ۵۷۴-۵۷۶)؛ هرچند عمده محققان معتقدند که تیر در هزاره اول پ.م ایزدی جدا برای سیاره مذکور در غرب ایران بود که احتمالاً تحت تأثیر ایزد نبوی میان‌رودان با نگارش ارتباط یافت (Boyce, 1982: 31-32; 1988: 277) و شاید گسترش و ترویج آیین آن با نویسندگان مرتبط بوده است (Panaino, 1995: 61). جالب اینجاست که پیوند ایزد نگارش با عطارد در میان‌رودان (ایزد نبو) و مصر (ایزد توث) نیز برقرار بوده است (Panaino, 2005). درباره خاستگاه ارتباط نبو و تیر، برخی ایلام (Boyce, 1982: 32) و برخی ماد را پیشنهاد کرده‌اند؛ که طبق نظر بویس ایلام واسطه‌ای میان سنت میان‌رودانی و ایرانی بوده است؛ باین‌حال، به نظر تاورنیه (2005: 367) اسامی حاوی تیر در اسناد دوره هخامنشی با زبان مادی سازگارترند تا پارسی باستان. گویی این ایزد در دوره هخامنشی با ابتکار و مداخله دولت (در زمان داریوش دوم و اردشیر دوم)، به مذهب زرتشتی راه یافت. در این زمان تیر با تیشتر اوستایی، احتمالاً به دلایلی چون شباهت نام، ویژگی‌های نجومی و حاصلخیزی، همانند دانسته شد؛ این همانندی تا آنجا بود که بسیاری از مناسک و مناسبت‌های مرتبط با تیشتر، نام تیر را به‌خود گرفت (Boyce, 1975: 75; 1982: 204-205; 1988: 282; Panaino, 1995: 66, 78-80, 83-) (85; Tavernier, 2005: 358-363)؛ باین‌حال، هیچ‌گاه این تلفیق به‌طور کامل صورت نگرفت؛ چنانکه در دوره ساسانی دو عقیده درباره آن وجود داشت: یک نظر تیر را در مجاورت و به‌عنوان متحد تیشتر قرار می‌داد و دیگری که متأخرتر بود، براساس باور به اهریمنی‌بودن سیارات که احتمالاً ریشه در هلنیسم داشت (Panaino, 2016)، تیر را هم‌اورد تیشتر می‌دانست (Boyce, 1982: 205-206; Panaino, 1995: 77-80; 2005: 363)؛ حتی گاهی این موضوع به‌نوعی تناقض درباره تیر در این

متون انجامیده است (مثلاً فرنیغ دادگی، ۱۳۹۵: ۶۰-۵۶؛ قس. همان: ۴۹ و ۸۸ و ۱۱۶).

اما آیا می‌توان پیوندی میان تیرومیتھیر/تیروتیر با تیر یافت؟ تاورنیه (367: 2005) درجایی از مقالهٔ خود این احتمال را مطرح می‌کند که شاید ایرانیان، ایزد تیر را از قومی چون ایلامیان، لولوبیان یا کاسیان گرفته باشند؛ با این حال، وی با چنین فرضی موافق نیست و به ریشهٔ ایرانی غربی آن اعتقاد دارد، اما شاید بتوان این احتمال را کمی بیش‌تر بررسی کرد؛ همان‌طور که گفتیم می‌توان از دو شباهت جالب سخن گفت: شباهت نام و عنوان دبیری. هنکلمن و خاکسار (2013: 221) معتقدند که نام این ایزد در بردارندهٔ واژهٔ ایلامی *tur(r)u* (با در نظر گرفتن $i < u$ در ایلامی میانۀ متأخر و نو) به معنای «سخن‌گفتن» است و این موضوع را با بحث پژواک صدا در محوطهٔ کول‌فرح مرتبط می‌کنند. جالب اینجاست که نام ایزد نبو نیز در ریشه با صدازدن ارتباط دارد (Pomponio, 1998-2001: 18). آن‌ها دربارهٔ جزء دوم نام این ایزد یعنی *mithir* نظری ارائه نمی‌دهند. متأسفانه دربارهٔ معنابخشی به این واژهٔ ایلامی دست‌مان بسته است. به نظر نگارندگان شاید واژهٔ مذکور با توجه به *r* پایانی‌اش یک صفت فاعلی (علی‌یاری بابلقانی، ۱۳۹۳: ۳۷ همچنين نک، Grillot-Susini, 1998; Khačikjan, 1998: 41, Tavernier, 2018: 428) باشد: «انجام‌دهندهٔ (*mithi*)». در ایلامی نو *mi-it* به معنای سهم و بخش بوده است (Hinz and Koch, 1987: 929). براساس غیبت *h* در ایلامی نو که پیش‌تر دربارهٔ اش گفتیم، آیا نمی‌توان آن را به معنای «تقسیم‌کننده» دانست؟ مسلماً برای تأیید این حدس مدرکی در اختیار نداریم و بنابراین در حد یک گمان باقی می‌ماند؛ با این حال، اگر *mithir* را در کل صفتی فاعلی در نظر بگیریم، آن‌گاه به نظر می‌رسد که جزء اصلی نام این ایزد *Tiru* بوده باشد؛ لازم به ذکر است که جورج کمرون نیز در اثر خود درجایی که می‌خواهد ایزدان ذکر شده در کتیبهٔ شیلهاک اینشوشینک را معرفی می‌کند، بدون ذکر توضیحی، از این ایزد با نام تیرو یاد کرده است (Cameron, 1936: 113).

در همین زمینه باید خاطر نشان کرد که از دورهٔ ایلام قدیم سه نام خاص حاوی *tiru* شناسایی شده است که البته هیچ‌یک شناساگر الوهیت *DINGIR* ندارند. ایلامی بودن یکی از این نام‌ها، *ti-ru-bi-ú* که با شیمشکی مرتبط است، مشخص نیست (Zadok, 1991: 229)؛ دیگری *ti-ru-ru-la* است که دربارهٔ آن نیز چیزی نمی‌توان گفت

(Hinze and Koch, 1987: 339): اما آخری ti-ru-ša-ki که در متنی از شهر باستانی نوزی از اواخر هزاره سوم پ.م گواهی شده است، احتمالاً ریشه ایلامی دارد و به نظر می‌رسد که جزء دوم آن šaki به معنای «فرزند پسر» باشد (Zadok, 1984: 38)؛ از این رو، شاید بتوان این عنصر اسامی کم‌تکرار را با خدای نام tiru که آن نیز بسامد چندانی ندارد، مرتبط دانست که البته تأکید می‌کنیم این موضوع به زنجیره‌ای از فرضیات و گمان‌ها متکی است و در صورت برقرار نبودن هریک که احتمالش نیز می‌رود، رد خواهد شد؛ از طرفی همان‌طور که در سطرهای پیشین نیز اشاره شد، شکل اولیه نام تیر در زبان ایرانی کهن، در هزاره اول پ.م، Tīriya بوده است؛ پس احتمالاً بعید است که Tīriya ایرانی برگرفته از Tiru ایلامی باشد؛ اما آیا عکس آن شدنی است؟ محققان اعتقاد دارند که شکل‌گیری ایزد تیر در ایران غربی، به هزاره اول پ.م مربوط می‌شود. دلایل اصلی آن‌ها نیز نبود این نام در اوستا، نداشتن همتای هندوآریایی، غیبت آن در میان نام‌های ایرانی اسناد نوآشوری، نوبابی و نوایلامی (Tavernier, 2005: 362, 366, 368) و نیز حضور نیاکان ایرانیان در استپ‌های شمالی و آشنان بودن با سیاره عطارد در این محیط (Boyce, 1982: 33; Tavernier, 2005: 361) است؛ هرچند دلیل چهارم قانع‌کننده نیست؛ چراکه درباره خاستگاه هندواروپائیان و مسیرهای احتمالی گسترش مردمان هندوایرانی، بحث‌های جدیدی در مجامع علمی گشوده شده است که خاستگاه استپی را به چالش کشیده‌اند (نک: Heggarty et al, 2023; Shaikh Baikloo, 2023); همچنین دلیل سوم نیز به تنهایی قانع‌کننده نیست؛ زیرا غیبت تیر در نام‌های ایرانی این متون می‌تواند تصادفی باشد و نه دلیلی بر تازگی آیین این ایزد؛ هرچند این موضوع در ترکیب با دلایل اول و دوم، باز هم ما را به زمانی متأخرتر سوق می‌دهد که به نظر نگارندگان می‌تواند حداکثر اواخر هزاره دوم باشد؛ از سویی با توجه به ذکر نام تیرومیتیهیر در کتیبه‌ای از یک پادشاه ایلامی در اواخر هزاره دوم پ.م (بدون در نظر گرفتن نام خاص Tirušaki در دوره ایلام قدیم) می‌توان گفت که حتی اگر ایزد مذکور بیگانه می‌بود، بایستی زمانی بسیار زودتر به ایزدکده ایلامیان راه می‌یافت؛ بنابراین، با دانش فعلی ما پاسخ مثبت به این پرسش مقدور نخواهد بود، اما رد کردن آن نیز با داده‌های فعلی جایز نیست.

می‌دانیم اختربینی در ایلام باستان به‌ویژه در دورهٔ ایلام نو رواج قابل‌ملاحظه‌ای داشت (Quintana, 2018: 737-738) و حتی براساس متون میان‌رودانی آگاهیم که میان ایزدان آن‌ها و سیارات ارتباطی برقرار بوده است؛ همچون شیموت (که نامش در کتیبهٔ هنی در کنار تیروتیر ذکر شده است) و مریخ (Henkelman, 2011: 512)؛ بنابراین، کاملاً منطقی است که یکی دیگر از ایزدان ایلامی (شاید تیرومیتھیر/تیروتیر؟) نیز بر سیارهٔ تیر اطلاق شده باشد؛ همچنین یکی دیگر از موانع ما در مطالعهٔ ایلام باستان، نبود متون اساطیری دربارهٔ سرگذشت ایزدان و وظایف آن‌هاست؛ به‌طوری‌که اساساً منبع دانش ما دربارهٔ آن‌ها مبتنی بر اشارات متعدد و نامنسجمی است.

در جمع‌بندی ارتباط میان تیرومیتھیر/تیروتیر و تیر، می‌توان گفت که با داده‌های فعلی وام‌گیری ایزد ایلامی از ایزد ایرانی و بالعکس منطقی نمی‌نماید؛ در عوض، شباهت اسمی یا به‌احتمال کم‌تر، اشتقاق هر دو از منشأ مشترک، توضیح قانع‌کننده‌تری به‌نظر می‌رسد؛ با این حال، نظر به اشتراک واژهٔ ایلامی «دبیر» هم برای ایزد ایلامی و هم برای ایزد ایرانی (که البته در دورهٔ بسیار متأخرتری گواهی شده اما منطقی در سنت کهن ایرانی ریشه داشته است)، می‌توان احتمال داد که منشأ این لقب سرزمین ایلام و احتمالاً همین ایزد تیرومیتھیر/تیروتیر بوده است و بنابراین شاید یکی از منابع ایرانیان غربی برای اقتباس قلمرو نگارش برای ایزد تیر، فزون بر میان‌رودان، سرزمین ایلام بوده باشد؛ شاید چنین اقتباسی در شباهت اسمی و شاید نزدیکی خویش‌کاری این دو ریشه داشته است؛ البته باز هم باید تأکید کرد که در صورت وجود چنین پیوندهایی، نباید آن‌ها را یک‌سویه و صرفاً از جانب ایلام دانست؛ هرچند به‌نظر می‌رسد که سهم ایلام بیش‌تر باشد. درستی، نادرستی یا بهبود این فرض می‌تواند با کشف داده‌های احتمالی در آینده راجع به نام سیارات و وظایف ایزدان در ایلام باستان، خاستگاه هندواروپائیان و هندواروپائیان و ارتباطات ایلامیان و ایرانیان صورت پذیرد.

۴. نتیجه‌گیری

براساس پژوهش حاضر می‌توان گفت که احتمالاً سه ایزد نپیریش، تیروتیر/تیرومیتھیر و نبو مسئول حوزهٔ نگارش و نویسندگی در ایلام باستان بوده‌اند؛ هرچند که احتمال وجود ایزدان و ایزدبانوان دیگر نیز به قوت خود باقی است. دربارهٔ نپیریش می‌دانیم که

یکی از معابد مهم آن که بقایایش نیز موجود است، احتمالاً «نوشتن» نام داشته و لقب ایلامی «دبیر» نیز برای تیرومیتھیر/تیروتیر به کار می‌رفته است. درباره تأثیرات میان‌رودان، دو ایزد نیسابه و نبو را در دشت خوزستان و نه در ارتفاعات داریم که گواهی‌های مربوط به ایزد نیسابه کم‌رنگ است و درباره عقیده ایلامیان درباره نبو چیز زیادی نمی‌دانیم؛ یکی از احتمالات موجود این است که نام نبو و تیروتیر در دو زبان اکدی و ایلامی به یک معنی بوده باشد؛ هرچند تفاوت‌های اساسی جامعه ایلامی و میان‌رودانی می‌توانسته صفات این خدایان را در ایلام دگرگون کرده باشد؛ همچنین به نظر می‌رسد که در این زمینه، سنت ایلامی بر سنت ایرانی تأثیر نهاده باشد؛ هم به عنوان واسطه‌ای احتمالی بین میان‌رودانیان و ایرانیان، چنان‌که برخی پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند و هم شباهت اسمی و لقبی (دبیری) ایزد تیر و تیرومیتھیر/تیروتیر. گرچه لازم به ذکر است که نگارندگان علی‌رغم اعتقاد به برتری تأثیر ایلامی در این مورد، احتمال تأثیراتی معکوس را نیز ممکن می‌دانند. امید است کشفیات آینده در خصوص نام سیارات و خویش‌کاری‌های ایزدان در ایلام باستان، خاستگاه هندواروپائیان و هندوایرانیان و نیز تعاملات ایلامیان و ایرانیان پرتوی بر درستی، نادرستی یا بهبود این فرض افکند.

کوتاه‌نوشت‌ها

EKI = König, Friedrich. 1977. Die elamischen Königsinschriften. Archiv für Orientforschung, herausgegeben von Ernst Weidner Beiheft 16. Osnabruch: Biblio Verlag.

IRS = Malbran-Labat, Florence. (1995). Les inscriptions royales de Suse. Paris: Réunion des Musées Nationaux.

MDP 9 = Scheil, Vincent. (1907). Textes élamites-anzanites. Troisième série, Délégation en Perse, MDP 9. Paris: Ernest Leroux.

MDP 41 = Steve, M.J. (1967). Tchoga Zanbil (Dur-Untash) III: Textes Élamites et Accadiens. Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran, 41. Paris: Paul Geuthner.

PF = Hallock, Richard. (1969). Persepolis Fortification Tablets. Chicago: University of Chicago press.

فهرست منابع

- پورداوود، ابراهیم (۱۳۵۵)، *فرهنگ ایران باستان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۵)، *جامعهٔ ساسانی: سپاهیان، کاتبان و دبیران، دهقانان*، ترجمهٔ شیرین مختاریان و مهدی باقی، تهران: نشر نی.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳)، *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*، ج ۱، تهران: نشر آثار.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۴)، *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*، ج ۲، تهران: نشر آثار.
- خرآشادی، سرور و انتشاری نجف‌آبادی، علیرضا (۱۴۰۲)، «پژوهشی در چرایی غیبت اینشوشینک در متون مذهبی باروی تخت جمشید»، *مطالعات باستان‌شناسی*، ۱۵(۱)، ۵۵-۸۷.
- رودکی سمرقندی (۱۳۷۳)، *دیوان رودکی سمرقندی*، براساس نسخهٔ سعید نفیسی و ی. براگینسکی، تهران: مؤسسهٔ انتشارات نگاه.
- شوارتس، م (۱۳۸۵)، «دین ایران هخامنشی»، از مجموعهٔ *تاریخ کمبریج تاریخ ایران در دورهٔ هخامنشیان*، دفتر دوم، جلد دوم، به سرپرستی ایلیا گرشویچ، ترجمهٔ مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی، ۵۶۴-۶۰۴.
- صراف، محمدرحیم (۱۳۸۴)، *مذهب قوم ایلام*، تهران: سمت.
- علیزاده، عباس (۱۳۹۹)، *خاستگاه حکومت عیلامی و تحول فرهنگی و سیاسی در غرب و جنوب غرب ایران از هزارهٔ پنجم تا هزارهٔ اول پ.م*، تهران: ایران‌نگار.
- علی‌یاری بابلقانی، سلمان (۱۳۹۳)، «دستور زبان ایلامی هخامنشی: بخش نخست: درآمد؛ آواشناسی؛ صرف اسم و فعل»، *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، ۴(۴)، ۳-۴۴.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۶)، *شاهنامهٔ فردوسی*، دفتر یکم، به‌کوشش جلال خالقی مطلق، نیویورک: بیلئوتیکا پرسیکا.
- فرنبرگ دادگی (۱۳۹۵)، *بندهشن*، گزارنده: مهرداد بهار، تهران: توس.
- گیریشمن، رومن (۱۳۷۲)، *چغازنبیل (دور-اوتناش)*، جلد اول: زیگورات، ترجمهٔ اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- گیریشمن، رومن (۱۳۷۵)، *چغازنبیل (دور-اوتناش)*، جلد دوم: تمونس، معابد، کاخ‌ها، قبور، ترجمهٔ اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مفیدی نصرآبادی، بهزاد (۱۴۰۰)، *چغازنبیل یافت شهری و جنبه‌های معماری در ایلام باستان*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.

Álvarez-Mon, J. (2020), *The Art of Elam ca. 4200–525 BC*, London: Routledge.

Boyce, M. (1975), *A History of Zoroastrianism 1. The Early Period*, Leiden and

- Koln: E.J. Brill.
- Boyce, M. (1982), *A History of Zoroastrianism 2. Under the Achaemenians*, Leiden and Koln: E.J. Brill.
- Boyce, M. (1988), "The Lady and the Scribe: Some Further Reflections on Anahit and Tir", In J. Duchesne-Guillemin, W. Sundermann, & F. Vahman (Eds.), *A Green Leaf: Papers in Honour of Professor Jes P. Asmussen* (pp. 277–282). Lieden: Peeters.
- Cameron, J. G. (1936), *History of Early Iran*, Chicago: The University of Chicago Press.
- Carter, E. (1992), *ELAM ii. The archeology of Elam. Encyclopædia Iranica Online*, Retrieved November 18, 2023, from <https://www.iranicaonline.org/articles/elam-ii>.
- Dahl, J. (2018), "The proto-Elamite writing system", In J. Alvarez-Mon, G.P. Basselo, & Y. Wicks (Eds.), *The Elamite World* (pp. 383-396). Abingdon: Routledge.
- Desset, F. (2018), "Linear Elamite writing", In J. Alvarez-Mon, G.P. Basselo, & Y. Wicks (Eds.), *The Elamite World* (pp. 397-415). Abingdon: Routledge.
- Desset, F., Tabibzadeh, K., Kervran, M., Basello, G.P., & Giani Marchesi (2022), "The decipherment of Linear Elamite writing", *Zeitschrift für Assyriologie und vorderasiatische Archäologie*, 112(1), pp. 11-60.
- Englund, R. (1998), *ELAM iii. Proto-Elamite. Encyclopaedia Iranica Online*, Retrieved November 18, 2023, from <https://www.iranicaonline.org/articles/elam-iii>
- Frayne, D., & Stuckey, J. (2021), *A Handbook of Gods and Goddesses of the Ancient Near East: three thousand deities of Anatolia, Syria, Israel, Sumer, Babylonia, Assyria, and Elam*, University Park, Pennsylvania: Eisenbrauns.
- Garrison, M. (2018), "Glyptic in the 1st millennium", In J. Alvarez-Mon, G.P. Basselo, & Y. Wicks (Eds.), *The Elamite World* (pp. 642-672), Abingdon: Routledge.
- Glassner, J. (2018), "Writing in Elam", In J. Alvarez-Mon, G.P. Basselo, & Y. Wicks (Eds.), *The Elamite World* (pp. 450-463), Abingdon: Routledge.
- Gorris, E., & Wicks, Y. (2018), "The last centuries of Elam: the Neo-Elamite period", In J. Alvarez-Mon, G.P. Basselo, & Y. Wicks (Eds.), *The Elamite World* (pp. 249-272), Abingdon: Routledge.
- Grillot-Susini, F. (1998), "ELAM v. Elamite language", *Encyclopædia Iranica Online*, Retrieved November 18, 2023, from <https://www.iranicaonline.org/articles/elam-v>.
- Hallock, Richard. (1969), *Persepolis Fortification Tablets*, Chicago: University of Chicago press.
- Hart, G. (2005), *The Routledge dictionary of Egyptian gods and goddesses*, Abingdon: Routledge.
- Heggarty, P., Anderson, C., Scarborough, M., King, B., Bouckaert, R., Jocz, L., ... & Gray, R. (2023), *Language trees with sampled ancestors support a hybrid model for the origin of Indo-European languages*, *Science*, 381(6656), eabg0818. doi: 10.1126/science.abg0818.
- Henkelman, W. (2008), "The Other Gods Who Are: Studies in Elamite-Iranian acculturation based on the Persepolis Fortification texts", *Achaemenid History*, 14. Lieden: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten.
- Henkelman, W. (2011), *Simut. In Reallexikon der Assyriologie und vorderasiatischen Archäologie*, 12, 511-512. Berlin: de Gruyter.
- Henkelman, W., & Khaksar, S. (2015), "Elam's Dormant Sound: Landscape", In

- L.C. Eneix (Ed.), *Music and the Divine in Ancient Iran*, Archaeoacoustics: The Archaeology of Sound: Publication of Proceedings from the 2014 Conference in Malta, Myakka City 2014 (pp. 211-231), OTS Foundation.
- Herodotus. (2013), *The Histories*, (G. Rawlinsin, Trans.), Moscow and Idaho: Roman Roads Media.
- Hinz, W. (1972), *The Lost World of Elam*, London: Sidgwick & Jackson.
- Hinz, W., & Koch, H. (1987), "Elamisches Wörterbuch", 1-2, *Archäologische Mitteilungen aus Iran Ergänzungsheft 17*, Berlin: Reimer Verlag.
- Jahangirfar, M. (2018), "The Elamite triads: reflections on the possible continuities in Iranian tradition", *Iranica Antiqua*, 53, pp. 105-124.
- Khačikjan, M. (1998), "The Elamite Language", *Documenta Asiana 4. Rome: Consiglio Nazionale delle Ricerche*, Istituto per gli Studi Micenei ed Egeo-Anatolici.
- König, F. (1977), "Die elamischen Königsinschriften", *Archiv für Orientforschung, herausgegeben von Ernst Weidner Beiheft 16*, Osnabruch: Biblio Verlag.
- Krebernik, M. (2014), "Tirumithir, Tirutur", *In Reallexikon der Assyriologie und Vorderasiatischen Archäologie*, 14, 61. Berlin: de Gruyter.
- Lackenbacher, S. (1998), "ELAM vii. Non-Elamite texts in Elam", *Encyclopædia Iranica Online*, Retrieved November 18, 2023, from <https://www.iranicaonline.org/articles/elam-vii>.
- Lambert, M. (1972), "Hutlutush-Inshushinak et le pays d'Anzan", *Revue d'Assyriologie et d'Archéologie Orientale*, 66(1), 61-76.
- Lurker, M. (2004), *A Dictionary of Gods and Goddesses, Devils and Demons*, London: Routledge.
- Malbran-Labat, F. (1995), *Les inscriptions royales de Suse*. Paris: Réunion des Musées Nationaux.
- Mecquenem, r. de, & Dossin, g. (1938), "La Marre de Nabû", *Revue d'Assyriologie et d'Archéologie Orientale*, 35(3/4), pp. 129-135, <http://www.jstor.org/stable/23294345>.
- Mofidi-Nasrabadi, B. (2013), *Planungsaspekte und die Struktur der altorientalischen neugegründeten Stadt in Chogha Zanbil*, Aachen: Shaker Verlag.
- Mofidi-Nasrabadi, B. (2015), "Reconstruction of the Ziqqurat of Chogha Zanbil", *Elamica*, 5, 37-51.
- Panaino, A. (1995), "Tistrya, Part 2: The Iranian Myth of the Star Sirius", *Serie Orientale Roma Fondata da Giuseppe Tucci*, LXVIII 2, Roma: Is.M.E.O.
- Panaino, A. (2005), "TIŠTRYA", *Encyclopædia Iranica Online*, Retrieved November 18, 2023, from <https://www.iranicaonline.org/articles/tistrya-2>.
- Panaino, A. (2016), "PLANETS", *Encyclopædia Iranica Online*, Retrieved November 18, 2023, from <http://www.iranicaonline.org/articles/planets>.
- Pomponio, F. (1998-2001), "Nabû. A. Philologisch", in D.O. Edzard (ed.), *Reallexikon der Assyriologie und Vorderasiatischen Archäologie*, 9, 16-24, Berlin: de Gruyter.
- Potts, D. (2004), "The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State", *Cambridge World Archaeology*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Quintana, E. (2014), *Elamita: Web de Divulgación de la Lengua Elamita*; http://www.um.es/cepoat/elamita/?page_id=681.
- Quintana, E. (2018), *Elamite religion and ritual*. In *The Elamite World*, edited by J. Alvarez-Mon, G.P. Basselo & Y. Wicks, 729-740. Abingdon: Routledge.

- Robson, E. (2019). "Ezida, the god Nabu's temple of scholarship", *Nimrud: Materialities of Assyrian Knowledge Production*, The Nimrud Project at <http://oracc.museum.upenn.edu/nimrud/ancientkalhu/thecity/nabustemple/>.
- Scheil, V. (1907), "Textes élamites-anzanites", *MDP 9*, Paris: Ernest Leroux.
- Scheil, V. (1932), "Actes juridiques susiens, suite: no. 166 à no. 327", *MDP 23*. Paris: Paul Geuthner.
- Seidl, U. (1998-2001), "Nabû B. Archäologisch" . In *Reallexikon der Assyriologie und Vorderasiatischen Archäologie*, 9, 24-29. Berlin: de Gruyter.
- Shaikh Baikloo Islam, B. (2023), "Aryans and the Sea Peoples: Migration and Invasion, Responses to the Climatic Stress in the Second Millennium BC", *Persica Antiqua*, 3(5), 15-29. doi: 10.22034/pa.2023.384534.1039.
- Steve, M. J. (1967), "Tchoga Zanbil (Dur-Untash) III", *Textes Élamites et Accadiens. Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran*, 41, Paris: Paul Geuthner.
- Stolper, M. (2004), "Elamite", In R.D Woodard (Ed.), *The Cambridge Encyclopedia of the World's Ancient Languages* (pp. 60–94), Cambridge: Cambridge University Press.
- Tafazzoli, A., & Rajabzadeh, H. (1993), "DABĪR", *Encyclopædia Iranica Online*, Retrieved November 18, 2023, from <https://www.iranicaonline.org/articles/dabir-secretary-scribe>.
- Tavernier, J. (2005), "Reflections on the origin and the early history of Tir", In W.H. Van Soldt (Ed.), *Ethnicity in Ancient Mesopotamia Papers Read at the 48th Rencontre Assyriologique Internationale Leiden* (pp. 356-371), Liège: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten.
- Tavernier, J. (2007). "The Case of Elamite TEP-/TIP- and Akkadian Tuppu". *Iran*, 45, 57–69.
- Tavernier, J. (2018), "The Elamite Language", In J. Alvarez-Mon, G.P. Basselo & Y. Wicks (Eds.), *The Elamite World* (pp. 416-449), Abingdon: Routledge.
- Vallat, F. (1998), "ELAM iv. Elamite religion", *Encyclopædia Iranica online*, Retrieved November 18, 2023, from <https://www.iranicaonline.org/articles/elam-vi>.
- Vallat, F. (2002), "Religions a Suse", In M.- J. Stève, F. Vallat, H. Gasche, & F. Jullien (Eds.), *Supplement au Dictionnaire de la Bible* (pp. 530–533), Paris: Letouzey & Ane, Editeurs.
- Zadok, R. (1984), "The Elamite Onomasticon", *Supplemento agli Annali dell'Istituto Universitario Orientale*, 40. Naples: Istituto Universitario Orientale.
- Zadok, R. (1991), *Elamite Onomastics, Studi Epigrafici e Linguistici*, 8, 225–237.
- Zadok, R. (2018), "The peoples of Elam", In J. Alvarez-Mon, G.P. Basselo & Y. Wicks (Eds.), *The Elamite World* (pp. 146-162), Abingdon: Routledge.
- Zgoll, A. (2023). "Sacred Texts and the First Myth about the Creation of Writing". *Journal of ancient near eastern religions*, 22(2), 258-314.

Transliteration

- Aliyari Babolqani, Salman (2013), "Ilami- Achaemenid grammar: first part: income; phonetics; conjugation of nouns and verbs", *Iranian Languages and Dialects*, 4(4), 3-44.
- Alizadeh, Abbas (2019), *The origin of Elamite rule and cultural and political evolution in the west and southwest of Iran from the fifth to the first millennium B.C.* Tehran: Irannegār.
- Faranbağ Dādegī (2015), *Bondaheš*, Mehrdad Bahar, Tehran: Tūs.
- Ferdūsi, Abūlqāsem (1987), *Shahnameh Ferdūsi*, First office, By Jalal Khaleghi Motlagh, New York: Bileotica Persica.
- Girishman, Roman (1993), *ChoghaZanbil (Dūr Untash); First volume: Ziggurat*, Translated by Asghar Karimi, Tehran: Cultural Heritage Organization.
- Girishman, Roman (1996), *ChoghaZanbil (Dūr Untash); The second volume: Temples, palaces, tombs*, Translated by Asghar Karimi, Tehran: Cultural Heritage Organization.
- Hasandoost, Mohammad (2013), *Etymological lexicon of Persian language*, Vol.1. Tehran: Athar Publications.
- Hasandoost, Mohammad (2014), *Etymological lexicon of Persian language*, Vol. 2. Tehran: Athar Publications.
- khorashadi, sorour and Najafabadi, Alireza (2023), "A Study on the Reasons of Inshushinak's Absence in the Religious Texts of Persepolis Fortification", *Archaeological studies*, 15(1), 55-87.
- Mofidi Nasrabadi, Behzad (2021), *ChoghaZanbil urban context and architectural aspects in ancient Ilam*, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar's Stands Foundation in collaboration with Sokhan Publishing House.
- Pourdavoud, Ebrahim (1976), *Ancient Iranian culture*, Tehran: Tehran University Press.
- Rūdakī Samarqandī (1994), *Dīvān-e Rūdakī Samarqandī*, Based on the version of Saeed Nafisi and Y. Braginsky. Tehran: Negāh Publishing House.
- Saraf, Mohammad Rahim. (2005), *The religion of the people of Ilam*, Tehran: Samt.
- Schwartz, M (2006), "Religion of Achaemenid Iran", *From the Cambridge History Collection, History of Iran in the Achaemenid Period*, The second book of the second volume, Under the supervision of Ilya Gershevich, Translated by Morteza Saqibfar, Tehran: jāmi, 564-604.
- Tafazoli, Ahmed (2006), *Sassanid society*, Translated by Shirin Mokhtarian and Mahdi Baghi, Tehran: Ney Publishing.